

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

ارتش وابسته حافظ منافع امپریالیسم است

سرمقاله:

امپریالیسم امریکا

دست از توطئه بر نمی دارد

امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته به آن، انقلاب خلقهای ستمدیده مارا تهدید میکنند. باقیام پیروزمندانه مردم مبارز ما، امپریالیسم امریکا مجبور به عقب نشینی موقتی شد و منافش به خطر افتاد. در نتیجه اکنون توطئه های همه جانبه ای برای برقراری مجدد حاکمیت خود طرح ریزی میکند. منافع امپریالیسم امریکا در ایران بقدری حیاتی است که بسادگی از آن دست برنمیدارد، و با روشهای مختلف و دسیسه چینی سعی میکند که ارتش ضد خلقی زاباز سازی کند و مجدداً از آن برای حفظ منافع امپریالیستها در مین ما و در منطقه خاورمیانه استفاده کند. امپریالیسم و ایادی وابسته به رژیم سابق بر اساس اطلاع مانوطه هائی را برای ایجاد اختلاف در صفوف یکپارچه خلق تدارک میبینند. اخیراً امپریالیسم امریکا با بسیج سازماندهی ۲۵۰۰ تن از مزدوران ساواک و وابستگان رژیم سابق تحت فرماندهی سازمان جاسوسی امریکا (سیا) دست به انواع تحریکات ضد مردمی و شایعه پراکنی و حمله مسلحانه به مردم زده است و کوشش میکند که با ایجاد وحشت، ذهن توده هارا منوش کند. امپریالیسم و عوامل وابسته به آن نیروهای ارتجاعی را تحریک میکنند و تلاش میکنند که خواسته های دمکراتیک و به حق خلق های کشورمان را به گونه ای دیگر جلوه دهند و آنها را تجزیه طلب قلمداد کنند. بر اساس این سیاست، سیاست ضد مردمی امپریالیستی است که عوامل سیا و ساواک بقایای نیروهای دارو دسته بازرانی به نام "قیاده - موقت" را در کردستان تحریک میکنند و به دسیسه چینی و توطئه گری علیه خلق کرده میپردازند. سازمان اطلاعاتی امریکا و مزدوران تحت فرماندهی آن، با استفاده از عناصر مرتجع زمینه را برای منوش کردن اذهان مردم فراهم میکنند تا بتوانند "نصایح پدران" خود را در مورد لزوم تجدید سازمان و تقویت و تحکیم ارتش ضد خلقی برای سرکوب مردم منطقی و مردم جلوه دهند. آنها میخواهند مردم را در مقابل هم قرار دهند و جنگ داخلی راه بیندازند. و روی این اصل است که حرکات حق طلبانه خلق هارا "تجزیه طلبی" قلمداد میکنند و مردم را به کمونیست و غیر کمونیست تقسیم میکنند، در صورتیکه مبارزات مردم ما و خلقهای جهان نشان میدهد که چنانقلابیون کمونیست و چه رزمندگان غیر کمونیست همواره دوشادوش هم بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی مبارزه کرده اند.

ما مطمئن داریم که مردم قهرمان ما با هوشیاری، توطئه های امپریالیسم را بی اثر میکنند و به ضد انقلاب فرصت نمیدهند که خود را بازسازی و تجدید سازمان کند. مردم ما بین خواسته های بحق خلقهای کشورمان و توطئه های سیا و ساواک خط مرز میکشند و آنها را از هم جدا میکنند. مردم ما در جریان مبارزه عملاً دریافته اند که تنها با وحدت و یکپارچگی همه نیروهای خلقهای میهنمان قادر خواهیم بود نهادهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم را نابود کنیم.

پس، با اتحاد و یکپارچگی

برای نابودی امپریالیسم و نوکرانش،

برای برقراری حاکمیت خلق،

به پیش!

برخلاف نظر سخنگوی دولت کارگران ضد انقلابی نیستند

آقای امیرانتظام معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت در گفتگویی با خبرنگاران که متن آن در مطبوعات روز شنبه ۲۶ اسفند به چاپ رسید در بخشی از صحبت های خود کارگرانی را که در جهت دفاع از منافع ملی با تشکیل شوراها کارگری خواستار نظارت و کنترل در امور کارخانه ها شدند، ضد انقلابی خواند. بیبینم ضد انقلاب کیست و چه کسانی ضد انقلابیند.

عناصر سازشکاری که اکنون رسالت دفاع از منافع سرمایه داران وابسته و استقرار کامل سلطه مجدد امپریالیسم را بر عهده گرفته اند، انقلابیترین طبقه یعنی طبقه کارگران را ضد انقلابی مینامند.

بقیه در صفحه ۸

مسئله ایجاد ارتش نوین انقلابی و انحلال ارتش ضد خلقی سابق در زمره مسائلی است که در رابطه با حفظ دستاوردهای انقلاب و مبارزه خلق بر علیه امپریالیسم و ارتجاع یکی از مسائل عمده است.

ما همیشه قاطعانه در نوشته های متعدد تاکید کرده ایم که انقلاب نمیتواند به پیروزی برسد، مگر آنکه ستون فقرات دشمن، که ارتش سرکوبگر و ضد خلقی است درهم بشکند و بجای آن یک ارتش نوین انقلابی از خود خلق و پرسنل انقلابی ارتش، از میان سربازان، درجه داران، همافران و افسران جز که وفاداری آنها به خلق ثابت شده است، تشکیل شود. ما معتقدیم که ارتش ضد خلقی رژیم پیشین از همه جهات ارتشی است که در رابطه با منافع و خواسته های امپریالیسم شکل گرفته و استحکام یافته است. بنابراین ارتشی است وابسته به امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم امریکا. برای پی بردن به وابستگی ارتش لازم است که گذرانظری به سیر وابستگی ارتش از دوران روی کار آمدن رضاخان تا به امروز بیفکنیم، تا بهتر بتوانیم عمق وابستگی ارتش را که در یک دوران ۵۰ ساله شکل گرفته است درک کنیم.

بقیه از صفحه ۷

کارگران فصلی در اجتماع گفتند: وعده های وزارت کار تو خالی است

روزی که شنبه ۲۷ اسفند ساعت ۱۰ صبح وارد فضای وزارت کار شدند. نزدیک به ۲۰۰۰ نفر از کارگران بیکار داخل ساختمان افراد مسلح بودند شامل کارگران فصلی، کارگران و مانع داخل شدن دانشجویان و کتلهای ساختمانی مختلف کارگران نیب غیر کارگری به داخل سالن حرکت اگانان برای رسیدگی به مشکلات.

خواستار همایشان در وزارت کار جمع شدند. ابتدا نگهبان در ورودی کارگران در حضور صدوقی معاون به شدت کنترل میکرد که کسی داخل نشود ولی رفته رفته که بر تعداد وزیر خواسته های خود را مطرح کارگران افزوده شد، سد کنترل کردند.

افراد مسلح شکسته شد و کارگران یکی از نمایندگان کارگران گفت:

بقیه در صفحه ۷

برخورد یک کارگر اخراجی با وزیر کار

این نامه چگونگی برخورد یک رفیق کارگر است با وزیر کار به زبان ساده. بزبان یک کارگر ساده کارگری مثل دهها و صد هزار کارگر دیگر که بعلت کم کاری و تعطیل کارخانه ها اخراج شده است. کارگری که همراه با رفقایش با مشت و سنگ و مسلسل به خیابان آمدند، شعار دادند، اعتصاب کردند جنگیدند و خلاصه انقلاب کردند تا اوضاع مشقت بار خود نجات پیدا کنند و به خواسته های برحق شان برسند.

بقیه در صفحه ۶

حمله عناصر مرتجع به زنان آزادیخواه کرد



هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سنجند طی بیانیه ای که بشرح زیر منتشر کردند یورش عمده ای از عناصر مرتجع و تنگ نظر را که به

کارگران زن کارخانه پوشاک و خوابگاه بهیاریان سنجند حمله نمودند و قصد داشتند با تیراندازی و ایجاد ارباب و

بقیه در صفحه ۷

بهاران خجسته باد

در سالی که گذشت، خلقهای قهرمان ما، در نبردی حماسه آفرین و بانثار خون خود، دشتهای میهن را کلکون ساختند. لاله های امسال خاطره شهدای خلق و امید خلقهای ستمدیده ایران را یکجا در خود نهفته دارند.

نوروز همه خلقهای ایران خجسته باد
با ایمان به پیروزیهای بیشتر خلقهایمان.

کارگران سخن میگویند کارگران باید راه مبارزه را بیاموزند

یک رفیق کارگر در جلسات بحث آزاد کارگری میگفت:

" این همه در آمدیکه این مملکت داشته چه کسی بوجود آورده؟ آیا این کارگریکه این قدر زجر میکشد دلش برای این مملکت میسوزد یا آن سرمایه داریکه میلیارد ها تومان پول دارد و برای نمونه خانه یکی از آنها را توی تلویزیون دیدیم. کدام یکی دلمان برای مملکت میسوزد؟ آیا آنهاش دلشان میسوزد که تادری به تخته خوردن و پلاستان راجا میگذارند و در میروند به مملکت هائی که آنها را تربیت کرده یا ما کارگرها که سینه مان را جلوی گلوله سپرمیکنیم؟ چرا ما که همه چیز را در این مملکت بوجود می آوریم و حتی در تمام دنیا چیزی نیست که کارگرو زحمتکش بوجود نیآورده باشد، چرا ما هیچ نداریم؟ آیا آن موقعیکه ما از تیر آهنهای اقمیم

بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

- ۲ کارگران سخن میگویند
- ۲ خواسته های خلق ترکمن
- ۲ توطئه های جدید امریکا
- ۳ اخبار کارگری
- ۴ ادبیات کارگری
- ۴ خواسته های کارگران از زبان خودشان
- ۵ اخبار شهر ها و روستاها
- ۶ قوانین ضد کارگری
- ۶ مشکل یک میلیون کارگر اخراجی
- ۷ اخبار خارجی (کارگری)
- ۸ عفو عمومی عیدی به ضد انقلاب
- ۸ خواسته های خلق کرد
- ۸ آقای قطب زاده آیا این امضاء شماست؟

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کارگران سخن می گویند:

بقیه از صفحه اول

پایین و میمیریم یا زیر موتور میمانیم و میمیریم یا برق مارامیکشداین آقایان سرمایه دارها پشت ما هستند آیا آن موقعیکه بچه های ما میمیرند کسی هست دردمار ما ببرد؟ پس چرا هرچه نکت و بدبختی هست برای ما باشد و هرچه رفاه و آسایش است برای آن میلیاردرها باشد؟ آیا این زمین از روزاول بوده یا نبود؟ آیا کسی زمین را خرید؟ کسی زمین را بوجود آورده؟ فلان میلیاردر که صدها هزار زمین دارد این زمین را از کجا آورده مگر این زمین نیست که ما زحمتکشها تویش کار میکنیم و حاصلش را میخوریم بیرون. پس او این وسط چکاره است؟ و یا کارخانه، شما که همه توی کارخانه کار کرده اید ببینید کارخانه را کی ساخته است کی جان داده برای کارخانه؟ من خودم شخصا حدود ۱۰ تا کارگر تا حالا دیده ام که جلوی چشم خود من مرده اند. چه در ذوب آهن چه در شرکت ترانس توی شمال که مال بنیاد پهلوی بود، چه کارگاههای دیگر. مگر غیر از این است که این کارخانه هارا ما بمرگ خودمان و خون خودمان ساخته ایم؟ مگر غیر از این است که هر کدام از این ستونها را که خواستیم ببریم بالا حداقل یادستان قطع شد و یا چشمان کور شد، یا زمینگیر شدیم و افتادیم توی خانه. مگر ما نبودیم که این کارخانه هارا ساختیم پس این سرمایه دار اینجنانقش چیست؟ او از کجا پول آورده؟ مگر غیر از این است که من کار میکنم و بعد از روزی ۱۶ ساعت کار صنایع شاهی به من پول میدهند و بقیه را میبرند توی جیبشان. او چه کار میکند که باید اینقدر درآمد داشته باشد؟ چرا به این سؤال من جواب نمیدهند؟

نمی گذارند آگاه شویم

دارودسته هائی در کارخانه ها پیدا شده اند که هر کسی جرفی بزند، بعنوان مخالف میریزند سرش. این واقعیتی است که خودم درگیر آن هستم. در کارخانه ما، همان سرکارها رادست نشانندگان سرمایه دار که دیروز زور میگفتند و یک مشتلات و چاقوش دور هم جمع شده اند، اینها وقتی که مردم مبارزه میکردند، خوب یاد هم هست که میگفتند، این کارها چیست؟ سرتان را ببیند از پائین و از این حرفها. حالا آمده اند یک کلت به کمرشان بسته اند و رفقای کارگر را زده اند تحریک میکنند قبلا زیر فشار امپریالیست و ارتجاع فرصت نکرده بودیم نفس بکشیم حالا هم تا می آئیم حرف بزیم میگویند فلانی که حرفهای حساب میزند کمونیست است و مخالف دین و از این حرفها. ما کارگرها را به جان هم می اندازد، تا خودش مثل مثل قبل، دوباره قدرتی بدست بیاورد. در ثانی همه خوب میدانیم که رژیم قبلی چقدر بر ضد کمونیست تبلیغ میکرد. لا کار ساخت تر شده. میخواهیم آگاه شویم، بشناسیم و به دیگران بناسانیم، نمیگذارند، تحت عنوان کمونیست نمیگذارند.

ما کارگرها نمیتوانیم هر کدا به تنهایی برویم توی خیابان و داد بزنیم. البته اگر حقوق ما برداشته شود و بصورت اعتراض و داد و بیداد و آخوش هم اگر مجبور باشیم بلسل (بسته به اینکه با چه کسی طرف باشیم) حقمان را میگیریم. منی این خصلت ماست که اول از طرف پائینش شروع میکنیم، اول نق زنییم و غرمیزنیم، فریاد میکنیم، آخر کارها را تعطیل میکنیم بعد می آیم توی خیابان داد میزنیم و بعد آخر سبزه میبینیم و مسلسل بدست میزنیم. این سیر تکاملی ما کارگرهاست. ما جای یک سندی کار دار دور و دورمان الی میبینیم. وقتی که آجر می افتد روی سرمان و سرمان داغان میشود، یا بگوی این کی هست؟ معلوم نیست نه کارگری که آجر می اندازد یا آتش دیده که چطور بیندازد تا توی سر کسی نخورد، و نه کسی که به داد آن بختی میرسد که سرش داغان شده. یا مثلا بخاطر اینکه برای اوتور آموزش نمیگذارند، یکبار توی دیگ تولید بتون که با هم کار میکنیم کارگری رفته بود و خوابیده بود که تمیز بکنند ولی. مسئول نمیدانست که کی دیگ کسی هست، شاسی اپراتور رازد سوخت هائی که بتون رابه هم میزند از چهار طرف رفت توی شکم کارگر. بخاطر اینکه مسئول باید یک دوره مشخصی را امیدیده که ندیده، ولی کسی هم جلوش را نمیگیرد. به تناد اینکه پسر فلان کار فرماست، دیپلم هم دارد، قشنگ هم هست و را گذاشته اند توی اپراتور. اما آن کارگر که سی سال است دارد کار کرد حالا توی دیگ از بین رفته. خانواده اش آمدند اینجا گریه و زاری بیچس گوش نداد. یک قران حقش را دادند؟ نه؟ اگر سندی کار بود اینطور شد؟ نه. اگر نماینده فرمایشی نبود اینطور میشد؟ نه. پس ما نماینده میاهیم. حالا نماینده را باید بشناسیم باید این شناخت را پیدا کنیم. اگر میمیریم گرفته ایم زندگی بکنیم و نمیخواهیم فردا سر بگذاریم و میمیریم باید راه مبارزه را یاد بگیریم. باید نماینده را انتخاب بکنیم و بفرستیم حرف بزند. و هر وقت هم که عوضی شد بگذاریم کنار. بازیکی دیگر. خ راحتیک کارگر میتواند بفهمد که دور و بر خود کی هست که جوش و خروش دارد، کی هست که دوستدار کارگر است و نمیرود با یک شربت یا با یک چائی میز کار فرما خودش و کارگرها را بفرود، وقتی به جلویک دعوتش مید یادش نمیرود که توی کارخانه چی میگردد.....

خواستهای خلق ترکمن

گنبد - قطعه راه پیمائی از طرف کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن.

۱- هرگونه انحصار طلبی و تفرقه در صفوف متحد خلقهای تحت ستم را محکوم مینمائیم و آن را دسیسه های امپریالیسم و عاملانش می شماریم.

۲- ارتش خلقی برای حفاظت از منافع ملی و دفاع از دستاوردهای انقلاب از نیروهای انقلابی، سربازان، درجه داران و افسران جزء انقلابی و سازمان چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق تشکیل شود و کلیه پادگانها و پاسگاههای ضد خلقی به دست شوراهای انقلابی منطقه اداره شود.

۳- دادگاههای خلقی باید تشکیل شود و عمال ساواک و مزدوران رژیم قبلی مورد شناسائی و محاکمه قرار گیرند. همچنین عوامل کشتار ۱۲ دیماه و ۲۵ بهمن ماه گنبد دستگیر و به مجازات برسند. ۴- تمام کسانی که در اس ادارات و سازمانها قرار میگیرند باید بشکل دمکراتیک و آزاد از طریق شوراهای انقلابی انتخاب شوند. هرگونه انتصابی را محکوم میکنیم.

۵- لغو بدهی ها و تعهدات مالی کارگران و دهقانان و پیشه وران و کارمندان به بانکها و موسسات دولتی.

۶- زمینهاییکه در دوران رژیم سابق از دهقانان غصب شده است باید بدون قید و شرط باز گردانده شود. ما خواهان یک اصلاحات ارضی و دمکراتیک هستیم.

۷- برای جلوگیری و جبران خانه خرابی کشاورزان اقدامات عاجل جهت حمایت از محصولات کشاورزی و دامی و بومی و ممانعت از ورود محصولات خارجی بنماید.

۸- تشکیل شوراهای روستائی و حمایت از قالی بافان و کشاورزان زحمتکش منطقه.

۹- ما از صیادان زحمتکش منطقه شدید حمایت کرده و خواستار تشکیل شوراهای صیادان از نمایندگان واقعی آنان برای احقاق حقوقشان میباشیم.

۱۰- ما خواهان آزادیهای فرهنگی، مذهبی و زبان خود و همچنین خواستار مشکل شدن مردم ترکمن صحرا تحت سیستم اداری واحد و مشترک بهم مرکزیت شهر گنبد میباشیم.

۱۱- خلق ترکمن خواسته های سایر خلقهای ایران منجمله خلق کرد را نائید و از آنان پشتیبانی مینماید.

۱۲- شناسائی عاملین فاجعه ۱۹ اسفند ترکمن قلا و محاکمه آنان در دادگاه خلق.

۱۳- لغو کلیه کمیته های انقلاب اسلامی در منطقه ترکمن صحرا و سپردن اداره امور شهرها بدست شوراهای منتخب مردم.

۱۴- آموزش رایگان برای کلاسهای شبانه و تامین هزینه تحصیلی دانش آموزان روستائی.

۱۵- احداث بهداشتی و درمانگاهها.

درود به شهدای راه آزادی
نابود باد سازشکاران و تفرقه اندازان
هر چه مستحکمتر با دیپوند چریکهای
رزمنده انقلابی بازحمتکشان
برقرار باد حاکمیت خلق

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن



توطئه های جدید امپریالیسم آمریکا در منطقه هشدار است به انقلابیون

توطئه های جدید امپریالیسم آمریکا در منطقه هشدار است به انقلابیون امپریالیسم آمریکا که جانفشانی خلقهای ما را وادار به عقب نشینی موقت از یکی از سنگرهای اصلی اش در منطقه نموده است، دست از توطئه بر نخواهد داشت. امپریالیسم، با روشهای مختلف برای بازیافتن قدرت کامل خود کوشش می کند. و در تدارک توطئه هایی برای به بند کشیدن خلق قهرمان میهن ما است. از یک سو، در پوشش حفاظت از مرزها، با ساز و آرتش ضد خلقی، این عامل اساسی وابستگی راهبردی قرار داده و در این جهت تبلیغ می کند. از سوی دیگر، برای گسترش نفوذ خود در همه دستگاها اجرای دولت، جهت حفظ منافع استعماریش به اشکال مختلف توطئه می چیند. امپریالیسم، از یک طرف بیا ایجاد تفرقه در صفوف متحد خلق پرداخته، خواستهای دمکراتیک و برحق خلقهای میهنمان را تجزیه طلبی، شورش و بلوا و نامود میکند. و از طرف دیگر، برای ایجاد حرکات و اقدامات تجزیه طلبانه ای که منجر به رویارویی مردم می شود، نقشه می کشد، و برای مشکل کردن عناصر وابسته به امپریالیسم و نفوذ آنان در صفوف خلق می کوشد. امپریالیسم و عمال آن، با دامن زدن به تضادهای عقیدتی و برابرا نداشتن تبلیغات وسیع ضد کمونیستی سعی دارند اذهان مبارزین را منحرف کرده، جهت ضدا امپریالیستی مبارزه را تغییر دهند. این توطئه ها، بیانگر این حقیقتند که باید هر چه زودتر دست امپریالیسم بطور کامل از کشور ما کوتاه شده و بساط آن در تمام زمینه های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی برچیده شود.

امپریالیسم، در پی فرصت مناسبی است تا نفوذ سرطانی خود را که هنوز ریشه های آن در جامعه ما وجود دارد دوباره گسترش دهد و از این راه موقعیت خود و عوامل ارتجاع منطقه را استحکام بخشد.

سفار کراتر، نمونه بارز این توطئه چینی، علیه انقلاب خلق ایران و مردم ستمکش منطقه خاور میانه است. کارتر به منطقه آمده است تا برای سرکوب خلقهای قهرمان فلسطین و ظفار، توطئه کرده، منافع از دست رفته آمریکا را احیا کند. کارتر به منطقه آمده است تا ضد انقلاب را بر علیه خلق ایران سازمان دهد. تا شیخ ها و رؤسای ضد انقلاب منطقه و پولهای کلان آنها را برای سرکوب خلق ما به خدمت گیرد. در یک کلام، کارتر برای توطئه به منطقه آمده است. و این توطئه، مستقیماً در رابطه با منافع خلق ما صورت می گیرد. دولت های مرتجع منطقه که از جنبش خلق ما به لرزه افتاده اند، برای تقویت موقعیت خود پیش از پیش به آمریکا متوسل شده اند و آمریکا نیز برای احیا نفوذ همه آنها را تشویق به دخالت هر چه بیشتر در امور داخلی ما می کند.

تمام ارتجاع داخلی و ارتجاع جهانی، در خدمت امپریالیسم و به دستور آن، با تمام اشکال و با تمام وسایل، مشغول فراهم آوردن جنگی خونین بر علیه خلق ما هستند. ما نورنا و هواپیما بر آمریکا در نزدیکی مرزهای ما، همزمان با ورود کارتر به منطقه، خود نمونه بارز از این تهدید است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، به تمام نیروهای انقلابی خلق هشدار می دهد که در برابر توطئه امپریالیسم برای سرکوب خلقمان، هر چه بیشتر صفوف خود را متحد کرده. تدارک لازم را برای مقابله فراهم آورند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، تا کید بر ضرورت اتحاد همه نیروهای خلق ایران، اتحاد با همه انقلابیون منطقه را در جهت دفع امپریالیسم، ضروری می داند و پشتیبانی قاطعانه خود را از تمام جنبش های رهایی بخش منطقه، اعلام می کند.

نابود باد توطئه های امپریالیسم و ارتجاع

پیروز باد جنبش رهایی بخش خلقهای تحت ستم منطقه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۵۷ / ۱۲ / ۲۴

اول ماه مه را هر چه باشکوه تر برگزار کنیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از تمام سندیکاها و نمایندگان کارگران، سازمانهای انقلابی کارگری و سازمانهای دمکراتیک و ملی دعوت می کند تا برای برگزاری مراسم اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز کارگر با کمیته برگزاری "اول ماه مه" مستقر در سازمان چریکها واقع در خیابان بلوار خیابان فدائی (میکدهی سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر، تماس بگیرند.



عوامل کارفرما

کارگر کارخانه کورا و غلور را شهید کردند

روز ۵۷/۱۲/۱۶ کارگران کارخانه کورا و غلوی قزوین در اجتماع اعلام کردند که باید سندیکای واقعی کارگری تشکیل شود تا به خواستهای آنان تحقق بخشد. بدینال این گردهمایی یکی از نمایندگان سندیکای فرمایشی زمان حکومت آریامهری به کمیته امام میروید و میخواهد که او را مأمور تشکیل سندیکا کنند تا خودش همچنان نماینده کارگران باشد. یکی از کارگران آگاه کارخانه کورا و غلوی که

دادند. در پی این برخورد کارگران به خانه کارگر رفتند و به کارگران دیگر پیوستند. در این اجتماع چند صد نفری کارگری نماینده وزارت کار به سئوالهای کارگران پاسخ میداد. تقاضای عمده کارگران عبارت بود از: یافتن راه حلی برای بیکاری، اختصاص دادن مکانی برای اجتماعات کارگری رفع سانسور و اعلام کردن مسائل و اخبار مربوط به کارگران. کارگران میگفتند اگر قطب زاده میگوید رادیو تلویزیون متعلق به پارتی است پس چرا گفته ها و خواهسته های ما یا برهنه هارا منعکس نمیکند. آنگاه نماینده وزارت کار وعده داد که مسئله بیکاری تا چند روز دیگر برطرف خواهد شد. کارگران اعلام کردند که ما وعده و وعید نمیخواهیم و تا روز پنجشنبه به وزارت کار برای برآوردن خواستههای خود مهلت دادند. همچنین در این اجتماع یک نماینده سابق کارگران که ساواکی بود توسط کارگران شناسایی شد و او را به کمیته امام بردند.

روز پنجشنبه ۵۷/۱۲/۱۷ گروه کثیری از کارگران بدینال دعوتی که از طریق یک اعلامیه شده بود در مقابل سازمان کارگران اجتماع کردند اما مسئولین امور سازمان کارگران با آوردن سبانه و رسیدگی به اسناد و مدارک به کارگران اجازه ورود

کارگران کارفرما را توقیف کردند

کارگران شرکت خدمات فنی نواسا قسمت تعمیرات در پی اخراج تعدادی از کارگران و کاهش حقوق بقیه به میزان ۱۵٪ در چهارم اسفند با تشکیل شورای کارگری دست به اعتصاب زدند و با صدور قطعنامه ای خواسته های خود را به این شرح اعلام نمودند:

- ۱- پرداخت کلیه مطالبات سال ۵۷ اعم از حقوق، عیدی، حق السهم، حق اولاد، خواربار و مسکن و مسترد نمودن وجوه خرید حق السهم شرکت تعاونی تشکیل نشده.
- ۲- اخراج افراد زائد طبق تشخیص شورای کارگری.
- ۳- منع اخراج کارگران توسط کارفرما.
- ۴- بازگشت کلیه کارگران اخراجی.

از روز ۶ اسفند کارگران با شور انقلابی، کارفرما را در کارخانه توقیف می کنند که کمیته دخالت میکند و کارفرما را آزاد مینماید. در روز هشت اسفند کارگران مجددا کارفرما را توقیف میکنند و دخالت کمیته به نفع کارفرما در مقابل ایستادگی کارگران به نتیجه نمیرسد. تا بالاخره در ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه با مداد ۱۹ اسفند کارفرما مجبور به پذیرفتن پرداخت مطالبات کارگران و برگشت کارگران اخراجی بکار میشود.

سه کارگر در معدن کشته شدند

در دلویشان - در معدن سنگ درود واقع در ۲۴ کیلومتری لوشان یکبار دیگر در اثر بی توجهی ویس مبالاتی مسئولان امر سه نفر از کارگران در اثر گاز رفتگی جان خود را از دست دادند. در این حادثه ۵ کارگر دیگر نیز، بیهوش شدند که به رشت انتقال یافتند.

تحصن کارگران کارخانه پارس

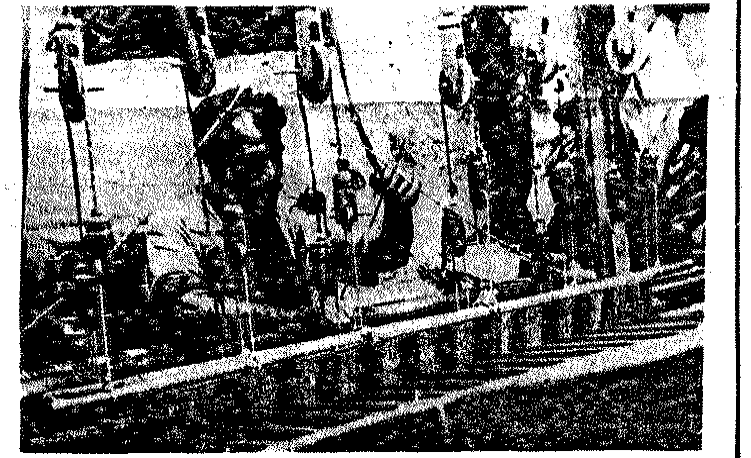
از صبح روز ۲۲ اسفند کارگران کارخانه پارس (روغن نباتی فو) در محل کارخانه متحصن شدند. کارگران برای گرفتن حقوق و مزایا و سود ویژه مورد درخواست خود دست به اعتصاب غذادند. ساعت ۱۱ شب دو گروه از طرف کمیته امام و وزارت کار برای بررسی خواست کارگران به محل آمدند و قول دادند خواستههای کارگران تامین شود. کارگران کارخانه شوقا زار واقع

خواستههای کارگران شرکت تی بی تی

در پی اعتصابی که از جانب کارگران شرکت تی بی تی صورت گرفت، آنها خواستههای خود را اعلام کردند که قسمتی از آنها ذکر میکنیم:

- ۱- ما خواهان آن هستیم که حق اشتغال دائم داشته باشیم و رسماً استخدام شویم.
- ۲- بعلت عدم رعایت مقررات بیمه پولهای ما باز پرداخت شود.
- ۳- باید قانون کار جدیدی نوشته شود و در مورد مانیز بطور کامل اجرا شود.
- ۴- باید بشدت از اخراج کارگران بخصوص آنها که ناقص العوض میشوند جلوگیری کرد.
- ۵- ایجاد کمیسیون منتخب از کارگران که دارای قدرت اجرایی باشد و بتواند منافع کارگران را در برابر کارفرما حفظ کند.
- ۶- باید در مدیریت شرکت تجدید نظر کلی شود و کسانی که مدیریت انتخاب شوند که منافع ما را تامین کنند.

ریسندگی، کار طاقت فرسا



کارگران ریسندگی و بافندگی از محرومترین کارگران ایران هستند. این کارگران در برابر ساعتها کار طاقت فرسا در سخت ترین شرایط که اغلب به بیماری واز کار افتادگی می انجامد، حداقل مزد و حقوق را دریافت میکنند. بسیاری از کارگران صنایع نساجی، کارآراز کارگاههای کوچک، درگوشه و کنار ایران شروع کرده اند اما در برابر توسعه صنایع وابسته، و از بین رفتن کارگاهها، به کارخانه ها کشیده شدند. کارخانه هائیکه شاپورها، وابستگان به دربار، یاسینی ها، فاتح ها و... خود را مالک آن میدانستند تا دسترنج کارگران را چپاول کنند و خون آنان را بمکند از آن جمله اند:

کارگران شرکت نفت را اخراج کردند گروهی از کارگران شرکت ملی نفت که از سال ۱۳۵۰ در یکی از طرحهای این شرکت استخدام شده اند افزایش حقوق هستند. این کارگران که در حدود ماهی ۶۰۰ تومان حقوق میگرفته اند خواهان بازگشت به کار و افزایش حقوق هستند.

شهرستانها

اهواز - بیش از ۸۰۰ نفر از کارگران ماشین سازی پارس بعلت پرداخت نشدن حقوق بهمن ماه دست از کار کشیدند و در محل شرکت اجتماع کردند. کارگران همچنین خواستار دوبروز تعطیل در هفته بودند. بر اثر پایداری کارگران، شرکت با پرداخت ۲۵ روز حقوق عقب مانده آنان موافقت کرد و وعده داد که در مورد تعطیل پنجشنبه هانیز اقدام کند.

شاهی - کارگران شرکت ساختمانی بانه برای دریافت حقوق و مزایای پرداخت نشده شان روز ۲۱ اسفند در محل شرکت متحصن شدند و خواستههایشان را در قطعنامه ای اعلام کردند. روز بعد فرماندار شاهی قولهای مساعدی برای انجام خواستههایشان به آنان داد.

تبریز - روز سه شنبه ۲۹ اسفند حدود ۲۰ نفر از کارگران اخراجی شیرپاستوریزه تبریز جلوی استانداری جمع شدند. و تصمیم گرفتند در محل کارخانه متحصن شوند.

تبریز - کارگران بیستون سازی تبریز از روز شنبه ۱۹ اسفند دست به اعتصاب زدند و تا یکدیگر نداشتند تا مانیکه سود ویژه و عیدی به آنان پرداخت نشود به سر کار برنخواهند گشت. کارگران نمایندگانی برای مذاکره با مسئولین درباره تقاضاهای خود به تهران فرستادند.

تبریز - کارگران کبریت سازی توکلی برای پشتیبانی از تصمیم نمایندگان منتخب خود دست از کار کشیدند. نمایندگان در مورد اخراج دونفر از عناصر ضد کارگری با کارفرما به توافق رسیده بودند، ولی بعدا کارفرما از اخراج آنها خودداری میکرد که با اعتصاب کارگران، تسلیم نظریات آنان شد.

خلاصه اخبار

رشت - پس از پنج روز اعتصاب کارگران چاپخانه روزنامه بازار رشت، اداره روزنامه بدست شورای نویسندگان سپرده شد.

شاهی - روز دوشنبه ۲۲ اسفند کارگران شرکت بانه برای رسیدگی به وضعیت در مقابل فرمانداری به تظاهرات پرداختند.

آمل - کارگران کارخانه "جین" روز دوشنبه ۲۲ اسفند به منظور رسیدگی به خواسته هایشان به تظاهرات وسیعی دست زدند.

فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

هنر کارگری با «واقعیت» پیوند دارد

مادرشماره قبل بعزت تراکم مطالب ناچار شدیم ستون ادبیات کارگری را حذف کنیم. بایوزش بسیار از این کوتاهی و سیاستگری از استقبال شما، از این هفته مرتباً ستونی بنام "ادبیات کارگری" خواهیم داشت که امیدواریم با همکاری شما پربارتر شود.

ادبیات کارگری یعنی چه؟

رفقای کارگر! مادرشماره قبل در این باره صحبت کردیم که فرهنگ مسلط، یعنی فرهنگ طبقه ایکه مسلط و حاکم است، با فرهنگ مقاومت و فرهنگ توده مردم بکلی فرق دارد و حتی در مقابل آن قرار دارد. وسیعی میکند فرهنگ مردم را هر چه بیشتر محدود و حتی سرکوب و نابود کند. حالاً میخواهیم درباره تفاوت‌های این دو فرهنگ بخصوص در زمینه ادبیات بیشتر صحبت کنیم، در ادبیات هر طبقه و گروهی از مردم مسائل مربوط به همان طبقه، طرز تفکر و اعتقاداتشان، بزبان خود آنها مطرح میشود و از منافع آنها در مقابل طبقات و گروههای دیگر دفاع میشود. بنابراین کاملاً اشتباه خواهد بود که ما فکر کنیم ادبیات کارگری تنها یعنی ادبیات به زبان ساده. بعضی هافکر میکنند که چون اکثر کارگرها سوادشان کم است ما باید آثار ادبی را به زبان ساده‌تری بنویسیم تا بشود ادبیات کارگری. یا اینکه فکر میکنند که همین ادبیات کارگری را اگر بتدریج به سطح بالاتری برسانیم و مشکلتر کنیم میشود ادبیات روشنفکری و سنگین و اشرافی. اما این فکرها اشتباه است. هر کدام از این انواع ادبیات برای خودش چیز جداگانه ایست که هر قدر هم شما آنرا ساده یا مشکل کنید باز تبدیل به آن دیگری نمیشود و ربطی هم به آن ندارد.

ادبیات کارگری چه خصوصیتی دارد؟

مادر اینجا تنها به مهمترین خصوصیت این ادبیات اشاره میکنیم و دیگر خصوصیات آنرا به تدریج در آینده بررسی خواهیم کرد. مهمترین خصوصیت ادبیات کارگری و اصولاً هنر توده ای و مردمی پیوند نزدیک آن با واقعیت و حقیقت زندگی است. دلیل آنهم ساده است. این کارگران و زحمتکشان هستند که کار میکنند و چرخ تولید جامعه را میچرخانند. بنابراین این هیچکس به اندازه آنها نمیتواند به واقعیت و حقیقت زندگی نزدیک باشد. دیگران گاهی آنقدر از زندگی واقعی دور میشوند که آدم را به یاد صاحب منصبهای عالی مقام یک داستان معروف می اندازند (۱). این صاحب منصبها که تمام عمرشان را در یک اداره خدمت کرده بودند فقط بلند بودند بگویند "ارادت دارم، به شما مبارک" و وقتیکه برای اولین بار گذرانشان به دامن طبیعت افتاد و میوه ها مورغ و خرگوش و ماهی را در طبیعت دیدند به حیرت افتادند. یکی از آنها گفت:

"چه کسی تصور میکرد عالیجناب، که غذای روزانه انسان بصورت اصلی خود در هوا ببرد، در آب شنا کند، و بر درخت برود؟" دیگری جواب داد:

"بلی باید اعتراف کنم من همیشه فکر میکردم قرص نان به همان شکلی بوجود آمده است که روی میز صبحانه می آید." طبیعی است که ادبیات و هنر چنین افرادی هم بکلی با واقعیتها بیگانه است. در آن از "کار" که تکامل دهنده انسان و آفریننده همه چیزهای انسانی است یاد نمیشود یا حتی "کار" را تحقیر میکنند و پست میشمارند. ادبیات و هنر آنها بیشتر جنبه تفریحی، تصنعی و تجملی و تشریفاتی دارد. در حالیکه ادبیات و هنر زحمتکشان همیشه ساده و بی پیرایه است و در آن هر چیزیکه برای زندگی مفید است "زیبا" شمرده میشود. مثلاً در نظریه روستائی آن گاو یا سبزی زیباست که قوی باشد و بتواند خوب بار بکشد و کار کند، نه گاو که خوش خط و خال باشد یا سبزه فقط به درد مسابقه بخورد. برای او آن زنی زیباست که تندرست و پیرا نری باشد. گونه های سرخ و بدن محکم و دستهای نیرومند داشته باشد و خلاصه برای کار تولیدی و زایشدن فرزند آماده داشته باشد. نه آن زنی که مثل عروسک ضعیف و شکننده و نازک نارنجی است (۲) زحمتکشان که همیشه با زندگی عملی سروکار دارند اجباراً این نتیجه میسرند که با شناختن واقعیت این دنیای مادی و واقعیت کار تولیدی بر مشکلات غلبه کنند و به همین علت هم الزاماً واقع گرا و رئالیست هستند. (۳)

اما این واقعیت یک چیز ذهنی، مجرد، ثابت و لا یتغیر نیست بلکه پدیده ایست تاریخی و اجتماعی. که تحت تاثیر بقیه امور و پدیده های دیگر دائماً در حال دگرگونی است. و تغییر پیدا میکند. پس ادبیات و هنر توده مردم هم باید تمام این جنبه های مختلف واقعیت را در خودش داشته باشد و منعکس کند. عالیترین شکل آن در هنر و ادبیات کارگری است که ما آنرا "رئالیسم سوسیالیستی" مینامیم و در آینده درباره آن بیشتر سخن خواهیم گفت.

- ۱- سالتیکوف سجدین، قصه برای بزرگان، ص ۲۰۰
- ۲- چرنیشفسکی، زندگی و جامعه شناسی به نفع از کتاب جامعه شناسی هنر آریان پور ص ۹۳
- ۳- آریان پور جامعه شناسی هنر همان صفحه.

از کارخانه به دانشگاه

آفتاب نیامده ما میرویم
از چرخهای کارخانه عبور میکنم
پهلوی به پهلوی
آسوترتک
زانوبه زانوی هم
قطره، قطره های خون ما
باز دردها مان یکی
در هیئت هر چه بینداری
بانتباهای خسته
دزیر سقهای کهنه کارخانه
از کار روز پیش
میماند.
ماه پیش
آفتاب رفته است
سال پیش
که باز میگرددیم
وسالهای پیش
پهلوی به پهلوی
در حرم فلزی
زانوبه زانوی هم
باز دردهایمان یکی
که نفسها مان میگیرد.
وذهنمان،
و آنجا
حول یک محور
دوش بدوش هم
همای چرخش چرخهای
صورتا...؟
کارخانه
نه...!
بیابگو، رفیق آگاه
در اندیشه درمان دردها مان
کار مشترک
استاد ایم
فکر مشترک
و چرخ، چرخ، کارخانه
با چرخش دستها مان
خون مشترک
میچرخد.
یعنی چه...؟
بیا...
برای من معنی کن
کمونیسیم
فرسوده میشویم
یعنی چه؟
رگها مان کشیده میشود
"رفیق علی"
و قطره، قطره های خون ما

بزرگداشت خاطره شهدای سیاهکسل

بمناسبت ۲۶ آگست هفتمین سالگرد شهادت ۱۳ نفر از رفقای سیاهکسل مراسمی از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق در ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۲۶ اسفند در سالن ورزش دانشگاه صنعتی برگزار گردید.

کارگر!

آمدن عید مبارک بادت!

کارگر! آمدن عید مبارک بادت! *
خاصه کاین عید بود شاد، دل ناشاد
هر یکی بندگرا نرا که گشودی از پای
شادی و خرمی آمد به مبارکبادت
همتی باید و عزمی و تلاشی دیگر
تا که بسیم زهر پیره کشی آزادت
کاخ خود کامگی از بنیان بر کن و بسوخت
خشم چون صاعقه و وحدت چون بولادت
گر که بنیاد بر کنی اکتون بکنی
سخت تر میشود از کوه گران بنیادت
گر که بر کارگاه ایجاد کنی شورا ای
لرزه افتد به دل دشمن از این ایحادت.
"چاره رنجبران و وحدت و تشکیلات است" *
این گرامی سخن نغمه مبارز یادت
نوروز آمد، شام کهن شد بر باد
هر روز چنین عزیز و بار آور باد.
این عید مبارک است بر جمله خلق
بر کارگران ولی مبارکتر باد.
* و ام از اشعار آن دیگر

رفقای مبارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را بآدرس زیر ارسال نمائید: فدائی (میکده سابق) ستاد تهران - خیابان بلوار - خیابان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. تلفن: ۶۵۹۹۹۹

((خواسته های کارگران از زبان خودشان))

در مملکت ما هر روز صدها مسئله و خبر کارگری اتفاق می افتد اما رادیو-تلویزیون هیچکدام از آنها را پخش نمیکند. آیا مسئولان این دستگاهها به مسائل کارگران اهمیت نمیدهند؟ یا از این وحشت دارند که مردم با خواسته ها و هدفهای کارگران آشنائی پیدا کنند؟

از کارگران "بتون بابک" درس بگیریم
من از کارگران کارخانه تولیدی "بتون بابک" هستم. در این کارخانه حقوق ما به تمامی زیر پا گذاشته شده بود و گوش هیچکس هم به حرف ما بدهکار نبود (حتی پس از پیروزی انقلاب). اما همبستگی و وحدت ما که "سازمان یافته" هم بود ما را بدون اینکه دست کمک به طرف کسی دراز کنیم به پیروزی رسانید. من به رفقای کارگر در کارخانجات دیگر توصیه میکنم که این شعار را فراموش نکنند که "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است". ضمناً یاد آور میشوم که کارگران "بتون-بابک" به تلاشهای خود برای رسیدن به خواسته های دیگر که جنبه سیاسی و اجتماعی دارد همچنان ادامه میدهند.

کارگران را بفهمد. این را کارهایی که تالان انجام داده و حرفهایی که نماینده هایش (از جمله وزیر کار) گفته اند، نشان میدهد. من به رفقای کارگر توصیه میکنم که فقط متکی به خودشان باشند و روی حرف مقامات خیلی تکیه نکنند. ما کارگران تادشورای انقلاب و دولت نماینده نداشته باشیم نمیتوانیم به حداقل خواسته های خودمان برسیم.

در کارخانه ها کتاخانه وجود آوریم
کتاب خوب و انقلابی یکی از بهترین سلاحهای کارگران است. ما اگر مطالعه نداشته باشیم نمیتوانیم از تجربه های مبارزات کارگرها استفاده کنیم
بنابراین به همه رفقای کارگر پیشنهاد میکنم در کارخانه ها کتاخانه درست بکنند و با استفاده از "فرصت برای مطالعه" (که باید یکی از خواسته های کارگران برای کم کردن ساعت کار باشد) به مطالعه کتاب مشغول شوند. ضمناً میتوانیم با گرفتن کتاب از کتاخانه کارخانه در خانه خودمان هم مطالعه کنیم.
چرا رادیو تلویزیون به مسائل کارگری اهمیت نمیدهد

بیکاری همچنان وجود دارد
من یک کارگر اراچی از شرکت "شیمیکو" هستم که سه ماه است حقوق نگرفته ام. در حال حاضر دهها هزار کارگر، به اشکال مختلف بیکار هستند و ماههاست حقوق دریافت نکرده اند. برای عده ای، شاید این مسئله چندان مهم و حیاتی نباشد اما برای کارگران بیکار که با خانواده شان چند میلیون میشوند این مسئله مهمترین موضوع است. اقدامات انجام شده و حرفهاییکه مقامات میزنند نمیتواند این مشکل را حل کند و بیکاری همچنان بیداد میکند.

کارگران فصلی فراموش شده اند
ما گروهی از کارگران فصلی هستیم که در کارگاه یک شرکت باتری سازی وابسته به وزارت جنگ در "علیشاه عوض" ساوه کار میکنیم. در این شرکت چند کارشناس و مهندس آلمانی نیز کار میکردند. از وقتی خارجی ها رفته اند، ما را نیز اخراج کرده اند. ما خواهان تشکیل سندیکای کارگران فصلی و بدست آوردن حقوق مادی و معنوی خود هستیم. همچنین در کارگاه پارک پرنس (شرکت آرمه) نیز گروه

اخراج از کارخانه پارس متال
سه ماه است که مرا از کارخانه پارس متال اخراج کرده اند. اسم من "ابراهیم زینالی" است. میخواهم بدانم که آیا پس از انقلاب هم وضع ما کارگران باید بدتر از گذشته باشد؟
درد کارگر را فقط کارگر میفهمد
تجربه به کارگران قدیمی نشان میدهد "درد کارگر را فقط کارگر میفهمد". رژیم گذشته که دولتش ضدانقلاب بود حرف کارگران را که نمی فهمید، هیچ، به آنها خیانت هم میکرد. دولت کنونی که خود را انقلابی میداند باز هم نمیتواند حرف



قطعنامه سربازان ترکمن

قطعنامه سربازان، درجه‌داران و افسران وظیفه ترکمن در نشست روز سه شنبه ۱۵ اسفند سربازان، درجه داران و افسران وظیفه انقلابی ترکمن، طی یک تظاهرات در قطعنامه ای، همگامی خود را با دیگر برادران انقلابی - نظامی اعلام کردند. و همبستگی خود را با صفوف خلق ابراز داشتند. در عین حال آنها ماهیت ضد خلقی ارتش مزدور را که در جهت منافع بیگانگان و مقاصد امپریالیستی ایجاد شده است، افشاء کردند. این گروه در پایان قطعنامه خواستهای خود را به شرح زیر به دولت موقت ارائه دادند:

- ۱- انحلال کامل ارتش ضد خلقی و برقراری ارتش خلقی. چون رژیم سابق وابسته به بیگانگان (امپریالیزم) ارتشی وابسته به وجود آورده و فرماندهان ارتش از طرف امپریالیزم تأیید شده‌اند، و در جهت منافع آنها عمل میکنند، بنابراین برای قطع کامل وابستگی خواستار برکناری و محاکمه خائنین ارتش و بخصوص امرای ارتش هستیم.
- ۲- از رفتن به پادگان‌ها به این جهت خودداری میکنیم که با وجود

همان فرماندهان ضد خلقی و جلاد نامین جانی نداریم.

- ۳- پشتیبانی کامل خود را نسبت به قطعنامه هائی که توسط پرسنل انقلابی سراسر کشور صادر شده و در جهت خواستهای خلقهای ستمدیده است، اعلام میداریم.
- ۴- ما خواستار تسریع برقراری ارتش خلقی به کمک پیشاتازان مسلح که همواره پشتیبان خلقهای تحت ستم هستند میباشیم.
- ۵- ما خواستار آنیم که حفاظت و پاسداری از انقلاب در منطقه ترکمن صحرا، بوسیله نظامیان ترکمن و پرسنل انقلابی مسلح بطور مشترک انجام گیرد. زیرا خلق ترکمن با تجربیات تلخ گذشته و دادن خونهای زیاد، آگاهی کامل و قاطع دارد که عوامل ارتش مزدور هیچگاه نمیتوانند حامی منافع آنها باشند. و حفاظت و پاسداری از جان و مال و ناموس مردم منطقه، تنها بوسیله فرزندان راستین آنها و سایر برادران انقلابی امکان پذیر است.

سربازان، درجه‌داران و افسران وظیفه انقلابی ترکمن
۵۷/۱۲/۱۵

حمله به نمایشگاه عکس دانش آموزان

خرمشهر - حمله به نمایشگاه کتاب نمایشگاه کتابی با توافق کمیته امام برگزار میشود. روز ۲۲/۱۲/۵۷ عده‌ای به آن حمله میکنند و نمایشگاه را به هم میزنند. ۳۰۰ دانش آموز در ساختمان آموزش و پرورش خرمشهر متحصن میشوند.

شهر کرد - تشکیل دفتر هماهنگی فدائیان.

طی سخنرانی یکی از رفقای فدائی در جمع هواداران دفتر هماهنگی سازمان چریکهای فدائی خلق در شهر کرد اعلام شد. عده‌ای در پوشش اسلام دست به اخلاص زدند و یکی از مجاهدین طی صحبتی این شیوه را مردود شمرد.

شیراز - تحصن دانش آموزان دبیرستان عشایری.

گروهی از محصلین دبیرستان عشایری متحصن شدند. خواست آنها استعفای مدیر آموزش و پرورش بود. شب سوم تحصن گروهی عوامل ناشناخته به آنها حمله میکنند. محصلین تحصن خود را به دانشکده مهندسی منتقل میکنند. در اینجا افراد مسلح کمیته امام به محل آمده با پرکردن تفنگهای خود جمعیت را متفرق میکنند!

اعلام جهاد علیه انقلابیون

بدنبال راهپیمایی صبح سه شنبه ۲۲ اسفند کارگران و دهقانان و مردم شهر بوکان که بمنظور رسیدگی به وضع بیکاری و دفاع از حقوق زحمتکشان صورت گرفت یکی از روحانیون بوکان بر علیه دفتر هواداران چریکهای فدائی خلق اعلام جهاد کرد و ریختن خون انقلابیون کمیونیست را "حلال اعلام نمود" عده‌ای از عناصر ناآگاه تحت تأثیر این فتوای ضد انقلابی، به دفتر هواداران چریکهای فدائی خلق حمله برده، شیشه‌ها را شکسته و وسایل درون ساختمان را به هم

میریزند. رفقای انقلابی و مردم مبارز تا ساعت سه بامداد با کوشش پیگیر موفق شدند مهاجمین را از ساختمان بیرون کنند.

در اثر این برخوردها دانش آموزان به پشتیبانی از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق مدارس را تعطیل میکنند، بازاریان به عنوان اعتراض به این فتوای ضد انقلابی مغازه‌ها را میبندند و مردم به امام جمعه اعتراض میکنند که چرا در عوض جهاد به انقلابیون، به ارتجاع و امپریالیزم اعلام جهاد نمیشود!؟

زمین‌های ارباب دوباره باید تقسیم گردد

اخبار روستائی

اهالی ۱۲ روستای تیکان تپه (تکاب) بوکان از تمام دهقانان این منطقه دعوت کرده‌اند تا بمنظور رسیدگی به وضع کشاورزی و بیکاری و نداشتن درآمد، اجتماعی تشکیل دهند و با تأکید بر اینکه دولت کنونی به خواستهای مردم کردی توجه است مهمترین مسائل خود را در این اجتماع مطرح نمایند. این اجتماع صبح سه شنبه با پشتیبانی مردم شهر انجام شد. امامت‌اسفانه عده‌ای از عوامل وابسته به ارتجاع، در صدد برهم زدن صفوف راهپیمایان برآمدند. اما نتوانستند مانع از انجام راهپیمایی شوند. دهقانان در پایان راهپیمایی خواستهایشان را طی قطعنامه ای به شرح زیر قرائت نمودند:

- ۱- ما خواهان کار و ایجاد کارخانه در منطقه کردستان برای خوش نشینان و کشاورزان بیکار هستیم.
- ۲- ما خواهانیم که ارباب به اندازه یک کشاورز متوسط، زمین در اختیار داشته باشد.
- ۳- ما خواهان خودمختاری کردستان در چهارچوب ایران با رهبری مذهبی زعیم عالیقدر حضرت شیخ عزالدین حسینی هستیم.
- ۴- ما خواهان لغو اجاره زمینهای اصلاحات ارضی و قرض شرکت تعاونی و بانکهای کشاورزی هستیم.
- ۵- ما خواهان ایجاد مدرسه، بهداری، برق، راه، حمام، لوله‌کشی در دهات هستیم.
- ۶- ما خواهانیم که بنگاه ماشینهای کشاورزی ایجاد شود. تا ما جانان در اختیار روستائیان قرار گیرد.
- ۷- ما خواهانیم که کود و بذر اصلاح شده با قیمت بسیار پائین در اختیار کشاورزان قرار داده شود.
- ۸- ما می‌خواهیم که نماینده‌های واقعی روستائیان در مجلس شرکت نمایند تا از حقوق روستائیان دفاع کنند.

زمین‌های اربابان باید تقسیم شود.

بازهم حمله عناصر مرتجع در گرگان عناصر مرتجع باردیگر به نمایشگاه عکس و کتاب که گروهی از هواداران سازمان تشکیل داده بودند حمله کردند. این تهاجم بعد از ظهر چهارشنبه ۲۴ اسفند در حالیکه یک روز از افتتاح این نمایشگاه میگذشت انجام گرفت. این دومین بار است که عناصر مشکوکی در گرگان به نمایشگاه عکس شهدا حمله میکنند. بار اول در دو هفته پیش به مدرسه عالی منابع طبیعی گرگان، حمله شده بود.

روستائیان "تنکابن" و رحمت آباد از توابع شهرستان رودبار روز جمعه ۱۸ اسفند در دبستان روستا اجتماع کردند. در این اجتماع روستائیان وضعیت زندگی فلاکت بار خود را شرح دادند دهقانان اعلام داشتند تا شورای روستا

و بذر اصلاح شده.

- ۷- ایجاد مراکز مجهز دامپزشکی ثابت و سیار.
- تقسیم اراضی توسط دهقانان زاغ مرز و اسلام آباد
- طبق اخبار رسیده، کشاورزان روستاهای زاغ مرز و اسلام آباد در اطراف به شهر با اقدام انقلابی و برحق خود زمینهای شاهپور غلامرضا را که در حقیقت متعلق به خود آنها بود بین خود تقسیم کردند. امامت‌اسفانه افراد ی بنام کمیته امام به محل آمده و دهقانان را از زمینهای بیرون کردند.

۱- تقسیم زمین های انحصاری بین کشاورزان بی زمین.

- ۲- تشکیل شوراهای دهقانی.
- ۳- ساختن راههایی در مناطق کشاورزی برای حمل محصولات کشاورزی.
- ۴- ایجاد شرکتهای تعاونی تولید و مصرف واقعی.
- ۵- وامهای مخصوص کشاورزان و دامپروران.
- ۶- در اختیار گذاشتن متخصصین کشاورزی، وسائل مکانیزه کشاورزی و کود

تشکیل ندهند و در امور مربوط به خود مستقیماً دخالت نکنند. مشکلات آنها حل نخواهد شد. در این اجتماع کشاورزان شورای روستا را از بین خود انتخاب کردند و خواسته های خود را در ۱۰ ماده اعلام داشتند.

لغو همه بدهی‌های کارگران و دهقانان

دربک راهپیمایی که با ابتکار کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن صورت گرفت قطعنامه ای صادر شد. خلاصه قطعنامه بشرح زیر است:

- ۱- محکوم کردن هرگونه انحصار طلبی.
- ۲- ضرورت تشکیل ارتش خلقی برای حفاظت از منافع ملی و دفاع دستاوردهای انقلاب.
- ۳- تشکیل دادگهای خلقی برای محاکمه و مجازات عمل ساواک و مزدوران رژیم سابق.
- ۴- ایجاد شوراهای الابی و محکوم کردن هرگونه انتصاب، سپردن اداره امور شهر به ست

شوراهای منتخب مردم.

- ۵- لغو بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان به بانکها و موسسات دولتی.
- ۶- زمینهایی که در دوران رژیم سابق از دهقانان غصب شده است، بدون قید و شرط به دهقانان بازگردانده شود.
- ۷- تأمین آزادیهای فرهنگی، مذهبی و زبان و متشکل شدن مردم ترکمن صحرا تحت سیستم اداری واحد و مشترک به مرکزیت شهر گنبد.

شیوه‌های پلیسی دوباره باز می‌گردد

افراد مرتجعی تحت فرمان کمیته امام به خانه های مردم مله بردند و کتابخانه های میاندوآب به آتش کشیدند. در مراسم نی چهارشنبه سوری که توسط م میان دوآب برگزار شد بدنبال آن یک ترقه افراد مسلح کمیته امام به سوی مردم تیراندازی کردند که مر به کشته شدن یک نفر و زخمی شدن نفر گردید. بدنبال این حادثه هم شهر برای اعتراض به طرف که حرکت کردند. امام پسر آیت وحیدی از درون کمیته به ط مردم تیراندازی کرد و چند نفر مصابت گلوله قرار گرفتند. مردم م که از این عکس العمل رهبران کم

خشمگین شده بودند کمیته را خلق کردند و اعلام داشتند: ما به این کمیته احتیاج نداریم. ما موران کمیته که خود را در روی مردم دیدند دست به عوامفریبی زدند و تحت عنوان مبارزه با کمونیسم، طبق شیوه های گذشته ساواک دست به خانه گردی زدند و خانه یکی از اعضای انقلابی را با نارنجک مورد حمله قرار دادند و سپس به خانه های دیگر یورش بردند و خانواده های افراد مبارز را مورد ضرب و شتم قرار دادند. این عناصر مرتجع پنج کتابخانه شهر میاندوآب را به آتش کشیدند و ۱۱ نفر از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را دستگیر کردند.



● یک کارگر، قوانین ضد کارگری همچنان باقی است

این روزها مسئولان و مقامات دولت موقت در مصاحبه‌هایشان هم‌جا صحبت از "بازسازی و ترمیم و اصلاح" سازمانها و قوانین موجود میکنند. اگر کسی تازه به ایران آمده باشد خیال میکند در این مملکت هیچ اتفاقی نیفتاده. مقامات گاهی از این هم فراتر می‌روند و به مقررات و قوانین رژیم سابق استناد میکنند، که نمونه‌اش هم فراخواندن پرسنل غایب ارتش است که گفته شده چنانچه خود را معرفی نکنند "مطابق مقررات با آنها رفتار خواهد شد". وزارت کار هم در چند مورد با زبان "قانون کار رژیم سابق" با کارگران حرف زده است.

البته خواست مردم ما در راس آنها طبقه کارگر، چیزی غیر از این است. امروز صحبت کردن از بازسازی و اصلاح قوانین و سازمانها، قوانین و سازمانهایی که تا مغز استخوان پوسیده‌اند درست بمعنی نادیده گرفتن خونهای ریخته شده و پشت کردن به خلق مبارز است. این سؤال مطرح است که آیا قوانینی که بوسیله مزدوران و تنها بخاطر استثمار هرچه بیشتر زحمتکشان تدوین شده می‌تواند بعد از انقلاب هم ملاک عمل باشد؟ آیا اصلاح و ترمیم این قوانین می‌تواند دردی را دوا کند؟ مردم همانطور که به رژیم "نه" گفتند به این سؤالیها هم جواب منفی می‌دهند، چرا که خوب میدانند قوانینی در گذشته تدوین شده‌اند ضد کارگری هستند.

ما هم می‌دانیم وزارت کار همیشه یکی از مراکز سرکوب رژیم و مرکز توطئه‌های ضد کارگری بوده. در طول سالهای گذشته کماتیکه به مقام وزارت کار رسیده‌اند عاملان خود فروخته دستگاه و سرسپردگان سرمایه داران وابسته به بیگانه بودند. بیشتر آنها بعد از گذراندن این دوره به مقام نخست وزیری و دبیرکلی حزبه‌های فرمایشی رسیده‌اند، مثل "جمشید آموزگار"، "حسنعلی منصور"، "مهندس هوشنگ انصاری"، "عطاالله خسروانی"، "عبدالمجید مجیدی"، "امیر قاسم معینی" و "منوچهر آرمون" (این افراد در ۲۰ سال گذشته به ترتیب وزیر کار بودند).

بدیهی است قوانین کار و کلیه مقررات کارگری که بانظر این افراد خوش سابقه و مشاورین داخلی و خارجی آنها (از جمله ساواک و سیا) تنظیم شده و به تصویب مجلس فرمایشی رسیده، دربرگیرنده منافع سرمایه دارهای وابسته و کارفرماها بوده. سهم کارگران از این قوانین اطاعت بی چون و چرا از کارفرما و تهدید شدن به اخراج و جریمه و شدت عمل بوده.

قانون کار به کارگر به چشم یک برده نگاه میکنند که در مقابل عرضه نیروی کار خودش مبلغی پول دریافت میکند، بی آنکه صاحب حقوق دیگری باشد. قانون کار، کارگر را "مزدور" تعریف میکند و او را به عنوان نیروی مولد کار، بلکه به مثابه ابزار کار تلقی میکند. قانون کار حقوق کارفرما را تا آنجا بالا میبرد که حق باز خرید و با اخراج کارگر را (در برابر پرداخت مبلغی پول) به رسمیت می‌شناسد...

هفت سال پیش شورای عالی وزارت کار حداقل دستمزد برای کارگرهای صنایع مختلف از جمله قندسازی، سیمان، روغن نباتی و مونتاز را دیو تلویزیون هشتاد ریال تعیین میکند (روزنامه اطلاعات ۲۰ / ۹ / ۵۰) راه دور نرویم، همین دو سال پیش مقررات انضباطی، تخلفات کارگرها را به این شرح اعلام کرد و مجازات چنین تخلفاتی را اخراج و جریمه دانست:

"غیبت به مدت حداکثر سه روز، اخلال در امور کارگاه، استعمال دخانیات در محل‌های ممنوع، خوابیدن در محل کار موقع انجام وظیفه، ایجاد هیاهو و سروصدا و بی نظمی در کارخانه، بی حرمتی به مافوق، سرپیچی از دستورات مسئولان انتظامی هنگام ورود و خروج از کارگاه... (روزنامه کیهان ۶ / ۱ / ۵۶). آری، کارگران مادر چنین شرایط فاشیستی کار می‌کردند و در حال حاضر هم با وجود همان قانون کار و همان شرایط بکار مشغولند. اما کارگران دیگر نمی‌خواهند اجازه نمیدهند این شرایط تکرار شود. اگر در بعضی کارخانه‌ها هنوز شرایط گذشته وجود دارد، دیری نخواهد گذشت که همسنگی و تشکل کارگران این شرایط را هم عوض کند. در چنین موقعیتی که نیروهای انقلابی توانائی خود را با شرکت فعال در مبارزات انقلابی به اثبات رسانده‌اند و راه هر نوع سازشکاری و اصلاح طلبی را بسته‌اند صحبت از بازسازی قوانین و استناد به آنها (حتی اگر جنبه موقت داشته باشد) محکوم است و عملی ضد انقلابی است. کارگران ما "مهر باطلی" را که بر رژیم شاه و عواملش زده‌اند بر قوانین و مقررات او هم کوبیده‌اند.

اگر کسانی بخواهند "این مهر باطل" را نادیده بگیرند و مستقیم یا غیر مستقیم صحبت از حاکمیت قوانین گذشته یا بعضی از قسمت‌های آن کنند، کارگران زحمتکش را در برابر این سؤال قرار می‌دهند که آیا کو... مهر باطل بخار دیگر ضرورت دارد.

دربارهٔ اخراج شانمن

درباره اخراج شانمن مردمی که با مبارزات خونین و قهرمانانه خود طومار خودکامی ۲۵۰۰ ساله را در هم پیچیدند، اکنون نگران حفظ دستاوردهای این مبارزات هستند. متأسفانه دولت نیز با بی اطلاع نگاه داشتن مردم از مسائل پشت پرده به این نگرانیها دامن میزند. اخراج شانمن از ایران تحت این عنوان که او جاسوس "سیا" بوده است و بدون توضیح بیشتر و کاملتری در این باره، یک نمونه از این مسائل است. ما در اینجا نمی‌خواهیم از شانمن یا هیچکس دیگر دفاع کنیم، اما حق داریم سؤالی را که برای همه مطرح شده در اینجا عنوان کنیم و از دولت بخواهیم به آن پاسخ بدهد: اگر شانمن عضو سیا بود و از جانب سیا ماموریت‌هایی در ایران داشت، چرا فقط به اخراج او اکتفا شد؟ آیا مامورین سیا نباید در اینجا محاکمه و مجازات شوند؟ و آیا بهتر نبود شانمن و سرهنگ توکلی هر دو در دادگاهی علنی محاکمه میشدند تا برای مردم حقایق روشن شود و آنکسی که خائن و جاسوس است به مجازات برسد؟

اخراج بی سروصدا شانمن و توضیح مبهم و کوتاه دولت بدگانهای بیشتر را در مورد آنچه در پشت پرده می‌گذرد، آرزوی ما است.

مشکل یک میلیون کارگر اخراجی راه حل انقلابی میخواهد

کار... حرفش را قطع کردم و گفتم آقای فروهر به تو ایمان ندارم. گفت چرا؟ گفتم آقای شاهپور بختیار نخست وزیر گذشته رفیق نبود. هم جبهه توست. سابقه سیاسی داشت، زندانی کشیده بود، به مسای خیانت کرد. چطور من و یاد دیگر کارگران میتوانیم بتو اطمینان کنیم. که ناگهان چهره اش باصدائی گرفته گفت. آره تسو راست می گی و بعد تلفن زد مدیرکل روابط کار آقای خرسندی آمد به دفترش و گفت امری بود؟ در جواب او گفت آره هر چه زودتر بنویسید که ایشان برود سرکارش من نامه را برداشتم و در روز بعد یعنی یکشنبه به کارخانه رفتم... نامه را نشان دادم. رئیس کارخانه در جواب نامه گفت: ما زور بود توبه کارخانه جلوگیری نمی کنیم ولی از ما نباید پول بخواهی. در جوابش گفتم "من برای اینکه گرسنه نمانم میخواهم کار کنم. تومی گوئی پول نمیده‌م؟ پول ندارم؟ چطور پول داری ماهی ۲۸ هزار تومان خودت برداری ولی پول نداری به ما کارگران بدهی؟ ما کارگران هستیم که توهستی. ما کارگران هستیم که سرمایه داران هستند. اگر ما نباشیم شماها از کجا می‌خورید؟ بعد از صحبت‌هایی تصمیم گرفتم در اطاق رئیس کارخانه بمانم تا به دردمارسیدگی بکنم. مدتی آنجا ماندیم و کارگرانی که کار می‌کردند از کارخانه رفتند و باز ما در آنجا ماندیم تا اینکه یکی از مهندسان گفت بنظر من روز سه شنبه ۱۵ اسفند نماینده کارفرما و رئیس کارخانه و شما کارگران به وزارت کار بروید و مشکلات را آنجا در میان بگذارید.

ترک کرد. من که فاصله زیادی با او داشتم به طرفش دویدم تا خودم را به او نزدیک کنم. در اطراف او عده‌ای آدمکهای چاپلوس بودند که مرا گرفتند. باز با تقلائی زیاد توانستم به جلویش بروم. هنگامیکه به او رسیدم جلوی درب سالن ۱۷ شهریور بود که فریاد زدم. "آقای فروهر یا زوری جسم بگذر، یادواره به سرکارم باز گردان" که اولی بختند و زن گفت "تو شوخی میکنی" این بار بقیه اش را گرفتم، فریاد زدم. نه... نه... به خدا قسم که واقعتاً رامیگویم، من شوخی نمیکنم. "باز من را گرفتند به عقب بردند که دوباره تقلا کردم و به کمک کارگران و دانشجویها از چنگ آدمکهای چاپلوس فرار کردم و به جلوی آسانسور رفتم و جلویش ایستادم و گفتم "آقای فروهر من گرسنه هستم، من کار می‌خواهم، من پول مفت نمی‌خواهم" و این بار دید که نه، من شوخی نمیکنم "گفت بیابرویم نوی اطاق" در جوابش گفتم "تنهایی نه، باید همه ما بیاییم، باید همه ما به سرکارمان برویم که دیگر وارد آسانسور شدیم و به اطاقش رفتیم. دوتائی روبروی هم نشستیم. گفت کجا کار میکنی؟ گفتم شرکت شیمیکو. گفت کجاست؟ گفتم جاده قدیم کرج. گفت چند کارگر اخراجی دارید؟ گفتم حدود ۸۵ نفر. گفت در حال حاضر کارخانه کار میکنی؟ گفتم بله گفت چند تا کارگر دارند کار میکنند؟ گفتم حدود ۱۵ الی ۲۰ نفر اضافه کردم که از کارمندان و سرپرستها و مهندسی که اضافه بودند کسی را بیرون نکودند. گفت "به من اعتماد کن. و به من ایمان داشته باش که

تک و پراکنده قادر نخواهد بود آنها را به خواسته‌های واقعیشان برساند. تنها وحدت، تشکل و همبستگی است که میتواند آنها را در بازپس گرفتن حقوقشان یاری نماید. متن اصلی روز شنبه گذشته با جمعی از کارگران اخراجی به وزارت کار در آریزنه‌هاور رفتیم. حدود نیم ساعت بعد از آقای فروهر وزیر کار به جمع ما پیوست. بعد از صحبت‌های چندین نفر از کارگران مبارز، فروهر شروع به صحبت کرد که راجع به کارگران اخراجی صحبت کرد. وی گفت مقداری وام در اختیار ما گذاشته‌اند که میخواهیم در اختیار کارگران اخراجی بگذاریم که من از گوشه ای بلند شدم و فریاد زدم. آقای فروهر ما گدا نیستیم و بعد با همهمه کارگران و دانشجویان روبرو شدیم و پس از اندکی همهمه فروهر فریاد زبان گفت ما سندیکا و شوراهای کارگری را ایجاد میکنیم. بعد از مدتی حرف زدن در مورد آن، به موضوع دیگری اشاره کرد و گفت من با ورود دانشجویان به کارخانه‌ها و رفتن آنها به درون کارگران و راه انداختن بحث‌های ایدئولوژیکی مخالفم و اضافه کرد که خود کارگران آگاه هستند... که من باز فریاد زدم نه، ما کارگران آگاه نیستیم، اگر آگاه بودیم این بهر روزمان نمی‌آمد. که با فریاد "کارگر، دانشجو، پیوندتان مبارک" روبرو شدیم و بعد از آن آقای فروهر فریاد زد "موقع شعار دادن نیست، موقع عمل است" که سپس سالن را

جامه عمل بیوشانند. اما متأسفانه می بینیم که این کارگران نه تنها هنوز به چیزی نرسیده‌اند بلکه آنچه را هم که قبلاً داشتند از دست داده‌اند و دیگر آن نان بخور و نمیر را هم ندارند. این کارگران بیش از هر چیز محتاج یک راه حل انقلابی هستند. هیچ عذری از کارفرما پذیرفتنی نیست. کارگران باید قاطعانه و مصمم حقوق از دست رفته خود را از حلقوم کارفرما بیرون بکشند. بقول یکی از کارگران چطور وقتی کارخانه دایر بود و میلیون میلیون کار می‌کرد کارگر سهمی نداشت اما حالا باید خسارت کارخانه را جبران کند؟ این چیزی نیست که بایک دستور العمل یا یک "حساب الامر" بی پایه جناب وزیر به نتیجه برسد. تازه آنها فقط برای یک کارگر، فقط برای کارگری که با شخصیت و اراده آهنین خود وزیر کار را به صلابه میکشاند. هر چند که پادرمیانی و توصیه وزیر در این مورد کوچک هم بکار نمی آید، اما بیش به لعنت خداهم نمی آزد و کارفرما دوباره کارگر اخراجی را به وزارت کار پاس میدهد. شاید به نتیجه نرسیدن این کار برای این رفیق کارگر درس دیگری باشد و تجربه بهتری هر چند که او عملاً به تجربه دست یافته بود و میدانست به تنهایی نمیتواند به خواستش برسد، او تاکید داشت "باید همه به سر کار برویم" اما متأسفانه توصیه وزیر را پذیرفت و به دنبال راه حل فردی کشیده شد. همه رفقای کارگر باید بدانند که برخوردهای فردی، تک

همهٔ مستشاران خارجی باید اخراج گردند

ارتش وابسته حافظا.....

این ارتش ضد خلقی که بنیانگذار آن رضاخان بود در جهت حفظ منافع امپریالیسم مسلط آن زمان یعنی امپریالیسم انگلیس شکل گرفت و نقش ضد خلقی خود را در دوران دیکتاتوری سیاه رضاخانی ایفا کرد. همین ارتش بود که در سرکوب خلقهای آذربایجان و کردستان و در ۳ تیر هزاران نفر را قتل عام کرد. همین ارتش بود که به دستور امریکا و انگلیس حکومت ملی دکتر مصدق را سرنگون کرد و برای یک دوران ۲۵ ساله با سرنیزه های خود نه تنها خلق ما، بلکه خلق منطقه را سرکوب کرد. هنوز سرکوب مبارزه مردم در ۱۵ خرداد ۴۲ و قتل عامهای یکساله گذشته را بخوبی بیاد داریم.

پس از کودتای ۲۸ مرداد اولین برنامه امپریالیسم و ارتجاع این بود که ارتش را بگلی از عناصر ملی تصفیه کند. سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلیس با کمک رکن دوم ارتش این هدف را عملی کردند. با انعقاد قرارداد نظامی بین امریکا و رژیم شاه، سیل مستشاران نظامی امریکا بسوی ایران سرازیر شد. پس از آنکه رژیم شاه بعضویت پیمان بغداد (که بعداً بصورت سنتوتجید سازمان یافت) درآمد، ارتش ایران به یک ارتش وابسته به امپریالیسم در جهت سرکوبی خلقها تبدیل شد. تجدید سازمان ارتش بر طبق اصول سازماندهی امریکا آغاز شد. آموزش افسران و درجه داران ایرانی تحت نظارت و کنترل مستشاران امریکائی، اسرائیلی و انگلیسی قرار گرفت تربیت و آموزش این ارتش که وظیفه اش پاسداری از منافع امپریالیسم و ارتجاع داخلی بود، هر چه بیشتر بر طبق رعایت اصل اطاعت کورکورانه مبتنی گردید. فرمانبرداری بی چون و چرای زیر دست، از فرماندهان تصابی، با اجراء آمدن انضباط شدید و خشک که جلو هرگونه ابتکار و خلاقیت را میگرفت، همه برای این بود که هیچکس قدرت نفس کشیدن و انتقاد کردن نداشته باشد. به هرحال، وابستگی سازمانی و آموزشی ارتش کاملاً عملی شده، ارتش ضد خلقی رژیم پیشین یکی از ارتشهایی است که نمونه کامل وابستگی تجهیزاتی و نظامی را در آن میتوان دید. امپریالیسم امریکایی بخصوص در سالهای اخیر نقش ژاندارم منطقه را بعهده ایران گذاشته بود و از ارتش ضد خلقی میخواست که خلقهای منطقه را از جمله خلق ظفار و فلسطین را سرکوب کند. این ارتش را به پیشرفته ترین و پیچیده ترین سلاحهای تهاجمی مجهز کرد. انواع رادارهای پیچیده، تازه ترین نوع هواپیماها از جمله فانتومهای شکاری F-14 که مجهز به دستگاههای پیچیده الکترونیکی هستند، رادارهای پرنده، پیشرفته ترین نوع تانکها، نظیر چیفتن، رزمناوها، سیستم مخابراتی و جاسوسی بسیار پیچیده، نمونه ای از این سلاحها هستند. آیدار شرایطی که تمام هواپیماهای جنگی و هلیکوپترهای نیروی هوایی ساخت امریکا هستند و خلبانان و تکنسینها دقیقاً در رابطه با این هواپیماها و هلیکوپترها آموزش دیده اند نیروی هوایی میتواند، با سازمان و تجهیزات کنونی خود بگلی وابستگی اش را به امریکا از بین ببرد؟ نظری به واحدهای زرهی بیفکنیم، تانکهای M47, M60 از امریکائی و تانکهای مدرن چیفتن با سیستم پیچیده خود از انگلستان تهیه میشود. در واحدهای دیگر نیز از حیث وابستگی سلاحهای چنین وضعی حاکم است. خلاصه آیدار ارتشی که از ساده ترین تا پیچیده ترین وسائل و تجهیزات آنرا امپریالیسم و بخصوص امریکائیها تهیه کرده است، و در آن انتخاب افراد برای پستهای فرماندهی از روی میزان وفاداریشان به امریکا و رژیم شاه صورت میگرفت، و اصول انضباطی و سلسله مراتب خشک و بی انعطاف حاکم بود، میتوان بدون تغییر اساسی در ساخت کنونی آن و در سازمان، سیستم آموزشی نوع سلاحها و تجهیزاتش، قید و بندهای وابستگی را از بین ببرد؟ از هر جهت که در نظر بگیریم ارتش در یک شبکه وسیع وابستگی قرار گرفته است. ما هشدار میدهم که با احیاء ارتش ضد خلقی، یعنی همان ارتشی که امپریالیسم امریکا مستقیماً و یا غیر مستقیم بر آن نظارت و یا کنترل داشته است و جابجا کردن مهره ها، با زهم مابه سلاحهای امریکائی، قطعات یدکی این سلاحها، سازماندهی و آموزش، و مستشاران کشورهای امپریالیست نیاز خواهیم داشت. ارتشی که در دوران رژیم پیشین استحکام یافته ماهیتاً ضد خلقی، تجاوزکار و وابسته است. اگر این ارتش بگلی منحل نشود و مجدداً احیاء شود، وابستگی آن به امپریالیسم همچنان باقی خواهد ماند. ارتش ما نباید آنچنان سلاحهای پیچیده تهاجمی داشته باشد که حضور مستشاران امریکائی هم الزامی باشد. مابه ارتشی از خود خلق نیاز داریم که دفاع از منافع مردم را بر عهده گیرد و سلاحهای لازم داریم که بدون مستشاران امریکائی بتوان آموزش و استفاده از آنرا عهده دار شد.

تاریخ نشان داده است ارتشهای ضد خلقی حتی اگر به پیچیده ترین سلاحها مجهز باشند، نمیتوانند از مرزهای کشور و منافع مردم دفاع کنند، چون به خلق متکی نیستند و حمایت آنها را در پشت سر خود ندارند. اما ارتش های خلقی که از خود مردم تشکیل شده اند و از حمایت بی دریغ خلق برخوردارند، حتی با سلاحهای بسیار ساده توانسته اند دشمنان نیرومندی چون امریکارا برانودر آورند. دفاع از منافع مردم احتیاج به مستشارهای خارجی ندارد

وعده های....

" مادر درجه اول کار می خواهم مانا کار نداشته باشیم شکمان گرسنه است اما وقتی کار پیدا کنیم باید تا مین داشته باشیم. " نماینده دیگری گفت: " از جانب دولت طرحی جهت دادن وام ارائه شده اما این طرح نواقص زیادی دارد. برای دادن وام شروطی گذاشته اند. مثل بیمه بودن، داشتن کارت کارگری، معرفی نامه از طرف کارفرما و... خیلی از ماها، این شروط را نداریم اکثر کارگران بیمه نیستند، اغلب آنها کارت کارگری ندارند، معرفی از کارفرما هم عملی نیست، چون کارفرما فرار کرده است. با این گرانی مواد غذایی و خانه و چیزهای دیگر چگونه میتوانیم گذران کنیم. " اوسپس گفت: " شاه خیانتکار بود ولی باز همان قانون شاه خیانتکار را اجرا میکند. "

نمایندگان کارگران به تو خالی بودن وعده های اولیاء وزارت کار اشاره کرده و به بی تفاوتی وزارت کار در مقابل خواسته های کارگران تاخته و تاکید کردند که ماحق خود را با مشت میگیریم. پس از سخنان کارگران نماینده وزارت کار طسبب کرد و گفت: " ما وارث اقتصادی ورشکسته هستیم. شما باید ناتشکیل دولت جدید صبر کنید. " در این هنگام فریاد کارگران بلند شد که " ما گرسنه هستیم گرسنه هستیم. "

چون تا ساعت ۲ بعد از ظهر جوابی به کارگران داده نشد کارگران تصمیم گرفتند تا گرفتن جواب قطعی در مورد حقوق بیکاری، در محل کارگران از خود مامورین انتظامات تعیین کرده بودند که تمام امور را با نظم کامل اداره میکردند.

طرح پیشنهادی کارگران حقوق ماهیانه برای یک فرد مجرد ۹۰۰۰ ریال، حقوق ماهیانه برای یک فرد و همسرش ۱۲۰۰۰ ریال، به ازاها اولاد باید به حقوق بالا ۹۰۰ ریال اضافه شود.

حمله عناصر مرتجع به....

وحشت سدره مبارزه مردم کردند، محکوم نموده است. بیانیه فوق همچنین تاکید دارد که این آشوبها تلافی جویانه بوده و درست عرصه مان روزی صورت گرفته است که زنان سندنجد بخاطر مخالفت با سانسور و اختناق و نابرابری حقوق زن و مرد دست به تظاهرات و راه پیمائی زده بودند. خلاصه ای از این بیانیه به شرح زیر است:

خلقهای رزمنده ایران! ما هشدار دادیم که توطئه هائی بر علیه خلق و رزمندگان وفادار به خلق وجود دارد. دستهای پلید در کارند تا مبارزه خلق را به انحراف بکشانند و به ارتجاع و امپریالیسم اجازه باز سازی و تجدید قوا دهند.

یکشنبه شب گذشته در سندنجد عده ای مسلح به کارخانه پوشاک سندنجد که اکثر کارگران آن زن هستند صورت گرفت که با تیراندازی متقابل نگهبانان شجاع کارخانه پوشاک به آنان پاسخ داده شد. همزمان با این عمل در خیابان ۲۲ بهمن (شاپور سابق) نیز صدای انفجار و رگبار گلوله بلند شد و عده ای مسلح به ساختمان خوابگاه بهیازان سندنجد حمله نمودند. و دیوار خوابگاه را به گلوله بستند. این یورشهای بیشرمانه به محل کار و زندگی زنان، گویا پاسخی است به تظاهرات سه هزار نفری زنان مبارز سندنجد که عصر همان روز همراه با

ویا به محل کار زنان حمله نمایند، دیگر زن جرات فکر کردن و مبارزه کردن را نخواهد داشت. این برداشتی احمقانه است. ما این دسیسه ها و یورشها را مخالفت با مبارزات آزادی خواهانه زنان دانسته و معتقدیم عوامل ارتجاع با دامن زدن به ناامنی و تفرقه افکنی می خواهند زمینه را برای فعالیت مجدد امپریالیسم و ارتجاع هموار سازند.

برقرار باد حاکمیت خلق
دفتر هوا داران سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران - سندنجد
۵۷/۱۲/۲۱

« اخبار خارجی » تظاهرات قهرآمیز کارگران ذوب فلز فرانسه

لوموند - ۱۸ اسفند. کشمکش چندین ماهه کارگران ذوب فلز فرانسه از یک سو و کارفرمایان و دولت فرانسه از سوی دیگر بالاخره به درگیری خشونت آمیز منجر شد. کارگران ذوب فلز فرانسه از ماهها پیش بعلت اخراجهای دسته جمعی دست به اعتراض و اعتصاب زدند. که روز پنجشنبه ۱۷ اسفند با درگیری قهرآمیز پلیس به اوج خود رسید. کارگران ذوب فلز که از اخراج و بیکاری دهها هزار کارگر طی ماههای گذشته و بی تفاوتی مقامات دولتی به خشم آمده بودند، اینبار به شکلی خشن و مسلحانه دست به اعتراض زدند. هزاران کارگر ذوب فلز در نزدیکی یکی از قرارگاههای پلیس مجهز به کلاه خود و میله های فلزی به حرکت درآمدند و برای مقابله با پلیس سنگرهای خیابانی برافراشتند و اتومبیلهای

بیکاری دیگر بس است

شروع شد و شرکت نیروهای وابسته به جناح چپ فرانسه، در تظاهرات محسوس بود. راه پیمایان در حالیکه پرچمهای سرخ در دست داشتند و سرود " انترناسیونال " و سرود ملی فرانسه را میخواندند در زیر برف و باران سنگین با شعارهایی نظیر " اروپائی که بیکاری در آن بیداد میکند، نمیخواهیم. " و " بیکاری دیگر بس است " و " پلیسهای فاشیست " در خیابانهای شهر رژه رفتند. مغازه داران شهر به نشانه همبستگی با تظاهر کنندگان مغازه های خود را تعطیل کردند. در پی این تظاهرات مسالمت آمیز که هدفش بیان اضطراب عمومی از بیکاری و بحران اقتصادی بود، این سؤال مطرح میشود که آیا فردا اینگونه تظاهرات به قیام مسلحانه کارگران تبدیل خواهد شد؟

تظاهرات ۲۰۰۰۰ کارگر در شهر "دون" فرانسه.

لوموند - ۲۰ اسفند. بدنبال تظاهرات قهرآمیز روز پنجشنبه گذشته، شنبه ۱۹ اسفند تظاهرات عظیمی از سوی کارگران کارخانجات ذوب فلز فرانسه به منظور اعتراض به خشونت پلیس و جلوگیری از اخراج کارگران برگزار شد. این تظاهرات از میدان مرکزی شهر

عفو عمومی عیدی به ضد انقلاب است

طبق اظهارات سخنگوی دولت موقت، تا نوزدهم فروردین عفو عمومی صادر میشود و دست عدالت از تعقیب مجازات جنایتکاران، آدمکشان و غارتگران رژیم سابق کوتاه میگردد. عجیب است که سخنگوی دولت این دشمنی آشکارا به انقلاب "عیدی به ملت ایران" وانمود کرده است.

هم میهنان مبارز!

در حالیکه هنوز خون دهها هزار شهیدی که در راه آرمان خلقهای ستمدیده ایران جان خود را فدا کرده اند، از دیوارها و سنگفرش خیابانها پاک نشده است، در حالیکه اکثریت جنایتکاران و مزدوران خونخوار رژیم سابق به رهبری سازمان سیا متشکل شده و با گستاخی در حال تدارک ضد انقلاب هستند، در حالیکه بنابه اعتراف خود دولت، ماموران ساواک و سایر مزدوران مسلح، مشغول کشتار مردم و توطئه علیه انقلاب هستند، فرمان عفو عمومی چه مفهومی دارد؟ آیا فرمان عفو عمومی عیدی به دشمنان ملت ایران نیست؟ آیا عفو جنایتکاران به معنی باز گذاشتن دست مزدوران و جاسوسان در امر توطئه علیه خلقهای ایران نیست؟ ماعفو جنایتکارانی را که در گذشته به کشتار و چپاول خلقهای ستمدیده ایران مشغول بوده و اینک نیز به دستور امپریالیسم و دستگاههای جاسوسی آن بد توطئه و دسیسه بر علیه مردم ایران مشغولند، دشمنی با مردم و خیانت به انقلاب میدانیم و معتقدیم که عفو جنایتکاران زمینه را برای سلطه دوباره دشمنان سوگند خورده ایران هموار میکند. از این رویه دولت هشدار میدهیم که به منافع ملت ستمدیده ایران توجه کند و در مقابل تبلیغات محافل امپریالیستی که میکوشند مزدوران و سرسپردگان خود را از مجازات برهانند تا دوباره از آنان برای حفظ منافع خویش استفاده کنند، تسلیم نشود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۵۷/۱۱/۲۷

((خواستههای خلق کرد))

۱- ضد انقلابی تصفیه گردد.
۲- همه نمایندگان حاضر که نماینده شهرستانهای گردنشین هستند اعلام میدارند که حضرت آیت اله سید عزالدین حسینی صلاحیت دارند تا در اسرار رهبریتی قرار بگیرند که از طرف خلق کرد با دولت مرکزی مذاکره نمایند و دستگاه رهبری انقلاب و دولت موقت را از مذاکره و تماس عناصر ارتجاعی کرد بر حذر میدارند.
۳- از آنجا که ملا مصطفی بارزانی و گروه معروف به قیاده موقت از عوامل سازمان سیا آمریکا و ساواک ایران و میت ترکیه بوده اند و میبایستند و مورد نفرت تمام خلق کرد هستند، لذا از دولت انقلابی میخواستیم هر نوع ارتباط و تماس با این دزد و دسته قطع کرد و رهبران خائن آنها را از ایران اخراج شوند بدون آنکه این سیاست به وضعیت خانواده های پناهنده بی بضاعت لطمه ای وارد آورد.

۴- ما بر آنیم که زحمتکشان ایران سهم اساسی را در انقلاب ایران ادا کرده اند و به همین دلیل حق مسلم زحمتکشان و کارگران و دهقانان است که در دولت انقلابی شرکت داشته باشند.
۵- کردستان ایران ضمن دارا بودن منابع دست نخورده فراوان یکی از عقب افتاده ترین مناطق ایران است. بنابراین رفع ستم اقتصادی یکی از خواستههای اساسی است.
۶- همه پادگانها در کردستان باید تحت نظر شوراهای انقلابی اداره شود و بدین منظور یک کمیته مشترک نظارتی از افسران میهن پرست و نمایندگان شوراهای انقلابی تشکیل گردد.
۷- افسران جنایتکار که دستور تیراندازی داده و موجب شهادت فرزندان خلق شده اند باید تحویل دادگاه انقلابی خلق گردیدند و بمنظور تبدیل ارتش ارتجاعی به ارتش خلقی باید ارتش از عناصر

نمایندگان شوراهای انقلابی اعزامی از شهرهای کردستان ایران در گردهمایی ۳۰ بهمن در شهر مهاباد مواد زیر را که خلاصه ای از خواستههای اساسی خلق کرد در مقطع زمانی کنونی میباشد بصورت قطعنامه ای در ۸ ماده به نمایندگان حکومت موقت انقلاب اسلامی ایران تسلیم داشتند.
۱- خلق کرد همراه و همگام با سایر خلقهای ایران انقلاب ایران را تائید مینماید و تصمیم دارد با تحکیم پیوند مبارزاتی با سایر خلقهای ایران در ایجاد جامعه آزاد و آباد آینده نقشی اساسی ایفا کند.
۲- خلق کرد مانند سایر خلقهای ایران خواهان رفع ستم ملی و تأمین حق تعیین سرنوشت خود بصورت "فدراتیو" در چهارچوب کشور ایران میباشد و هرگونه اتهام تجزیه طلبی وارد میکند و از دولت موقت آقای بازرگان میخواهد که موضع خود را در مقابل این خواست رسماً اعلام دارد.

آقای قطب زاده این امضای شما نیست؟

منتخب کارکنان شهر به رادیو تلویزیون رسیده و به شرح زیر سانسور شده است:
در سطر اول عبارت "فدائیان، مجاهدین، سرداران پیشتاز و دیگر" خط خورده و در سطر هفتم به جای واژه "خلقهای" واژه "مردم" نوشته شده است!

اخبار سیمای ایران

تاریخ: ۲۵
ساعت پخش:

درود بر رهبری قاطعانه امام خمینی

فدائیان، مجاهدین، سرداران پیشتاز و دیگر، ما همواره با قلبی و با اوج گیسوی مبارزه حق طلبانه ی خلق های ستم دیده ، با دست قدم و قلممان در صحنه ها بوده ایم و تا محو کامل نیروهای استبداد هم عهد و هم تمس با شما خواهیم بود . هر روز با درفش پیروزان خطی مبارز ایران درود به روان پاک شهید اسلام بر همه ی جوانان دلیر و به کار جو ، در احتزاز با پرچم گلگون حق و آزادی

شورای منتخبات کارکنان تاتر شهر



((کارگران ضد انقلابی نیستند))

میکند، احساس خطر کرده اند و از اقدامات قاطع کارگران در کارخانه ها به وحشت افتاده اند. مگر ما نمیدانیم که صنایع ما تماما وابسته به صنایع کشورهای امپریالیستی بوده و به هیچوجه مستقل و ملی نبوده است؟ مگر غیر از این است که اگر بخواهیم سلطه و نفوذ امپریالیسم را قطع کنیم باید در قدم اول همین صنایع را ملی اعلام کنیم؟ پس چرا وقتی کارگران ما با ابتکار و خلاقیت در بعضی از واحدهای تولیدی، شوراهای کارگری ایجاد میکنند و میخواهند آنها را ملی اعلام کنند، یادر کار تولید نظارت و کنترل داشته باشند، آنها را ضد انقلابی میدانند؟ آیا دفاع از این سرمایه دارهای وابسته، معنای دفاع از منافع امپریالیسم و تلاش برای حفظ سلطه امپریالیسم نیست؟ ما قضاوت درباره اظهارات آقای امیر انتظام را به عهده خود مردم و کارگران میگذاریم.

بقیه از صفحه اول
این هشدار است به خلق و آنها که هزاران شهید داده اند تا دست امپریالیسم و ارتجاع را کوتاه کنند. هنوز خونهای کارگران که بر زمین ریخته خشک نشده است، که حمله به دستاوردهای انقلاب آغاز میشود و کارگران را ضد انقلابی مینامند. برآستی آیا کارگرانیکه ثروت جامعه نتیجه زحمات آنهاست، کارگرانیکه بدون کار آنها چرخهای مملکت از حرکت باز می ایستند، ضد انقلابیند؟ مگر کارگران نیستند که صنعت عظیم نفت را با بازوان نیرومند خود اداره میکنند؟ همین کارگران بودند که با اعتصابات خود ضربه قطعی را بر پیکر رژیم سابق وارد آوردند و سلاح بدست برای واژگون کردن آن جنگیدند. چه شده است که اکنون آنها را ضد انقلابی خطاب میکنند؟ دلیل آن بسیار روشن است. عناصر سازشکار، آنها را از منافع سرمایه داران وابسته دفاع

پیام پرسنل انقلابی نیروهای مسلح به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

پیام پرسنل انقلابی نیروهای مسلح به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
ما پرسنل انقلابی نیروهای مسلح هستیم سالگرد شهادت رستاخیز سیه گل و دومین سالگرد شهادت عبدالرضا کلانتر نیستانکی و همچنین بزرگداشت شهادت علی خلیقی و جلیل حواری نسب را که با ایثار خون خود برای دموکراسی و محو استبداد، با ارتجاع و امپریالیسم مبارزه کردند، گرامی میداریم.
درود به همه شهدای بدخون خفته خلق ریشه کن با استبداد و ارتجاع عامل عمده سرکوب جنبش خلق برقرار باد حاکمیت خلق (پرسنل انقلابی نیروهای مسلح)
شبهه ۵۷/۱۲/۲۶

اتهام تجزیه طلبی بهانه ای برای پایمال کردن حقوق خلق کرد است